

حسابداران وقانون تقصیر، تخلف، جرم

غلامرضا سلامی

حسابدار خواه در مقام مسئول مالی و خواه در مقام حسابرس بیشتر از افراد دیگری حتی کارشناسان حقوقی با قوانین تجاری و مالیاتی سروکار دارد و منطقی است چنین نتیجه گرفته شود که هیچکس به اندازه حسابدار با مامورین و نارسائیهای اجرائی قوانین مذکور را لمس نمی کند و با مشکلات ناشی از این نواقص دست به گریبان نمی باشد. قسمت اعظم سئوالات ارسال برای نشریه را مسایل قانون تجارت وقانون مالیاتیهای مستقیم بخود اختصاص می دهد و مسلم است سئوالات متعدد دیگری در ذهن حسابداران وجود دارد که شاید برای برخی از آنها پاسخی یافت نشود، از آنجا که انتظار پاسخ از مراجعی جز خود حسابداران، که قسمت اعظم عمر تجربی خود را با این قوانین گذرانده اند، نمی توان داشت، لذا بر آن شدیم تا صفحاتی از "حسابدار" را به چاپ سلسله مقالاتی در زمینه مورد بحث اختصاص دهیم. در این صفحات مسایل حقوقی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ و همچنین ارتباط بعضی از مواد آن با قانون مالیاتیهای مستقیم مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و نظر نویسندگان مقالات درباره هر یک از موضوعات مورد بحث (و چنانچه نظریه اصلاحی از خوانندگان گرامی به نشریه برسد) مطرح و چاپ خواهد شد. در همین جا مجدداً از کارشناسان و صاحب نظران دعوت می کنیم تا در تداوم راهی که پیش گرفته ایم ما و خوانندگان جوان ما را با ارسال نظریات خود یاری دهند

مطابق ماده ۱۵۱ قانون اصلاحی تجارت بازرسی یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل

مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتیکه ضمن انجام ماوریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند یا بدین مرجع قضائی صلاحیتدار اعلام کرده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند .
سؤال مطروحه در مورد این ماده قانون این است که منظور قانون گذار از تخلف و تقصیر و جرم چیست ؟

پاسخ به این سئوالات مسلماً " کاری دشوار است و لازم است احاطه کامل بر قوانین بنیانی کشور وجود داشته باشد و بهمین سبب شاید لازم باشد سئوال مورد بحث از مراجع قانونی استفسار گردد . بیاینحال سعی نگارنده بر آن است که از محتویات خود قانون تجارت و سایر قوانین مرتبط و با استفاده از استنباطهای شخصی سئوالات فوق را بی جواب نگذارد .

تخلف در امور شرکت

آن چنان که از معنی کلمه تخلف برمی آید و با توجه به کاربرد کلمه تخلف در قانون اصلاحی تجارت می توان چنین نتیجه گرفت که تخلف مدیران و مدیرعامل در امور شرکت مربوط می شود به عدم رعایت مقررات قانونی، اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی شرکت، از طرف کل و یا بعضی آنها . برای مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد :

ماده ۱۱۷- با زرس یا با زرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند .

ماده ۱۳۳- هرمدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود الخ .

ماده ۱۴۲- مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً "یا مشترکاً" مسئول می باشند و درگاه حدود مسئولیت هریک را برای جبران خسارت تعیین خواهد کرد .

تقصیر در امور شرکت

تقصیر در قوانین ایران گاهی مترادف با جرم بکار رفته است ،

مانند آنچه که در قسمت‌های از ماده ۸ قانون آئین دادرسی بشرح زیر
 ماده است :

ماده ۸- تعقیب امور جزائی که از طرف مدعی العموم موافق قانون شروع شده ، موقوف نمی شود مگر در موارد زیر :

اول - بواسطه فوت یا جنون متهم یا مقصر
 سوم - در موقع صدور غفوع عمومی در مورد تقصیرات سیاسی .

چهارم - در مواقعی که بواسطه مرور زمان در مسوارد تقصیرات عرفی موافق مقررات قانونی مملکتی تعقیب ممنوع است .

و اما به نظرمی رسد مراد از تقصیر در امور شرکت مندرج در ماده ۱۵۱ قانون اصلاحی تجارت از جنبه حقوقی آن باشد و نه از جنبه جزایی آن. تقصیر از نظر حقوقی عبارتست از کوتاهی در انجام امری یا کوتاهی در جلوگیری از وقوع امری که موجب ضرر و زیان مادی برای شخص ثالث می شود .

ماده ۱۱۴ قانون اصلاحی تجارت به روشنی این معنی را می رساند :
 مدیران باید تعداد سهامی را که اساسا سنا مه شرکت مقرر کرده است دارا باشند این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفردا " با مشترکا " بر شرکت وارد شود الخ .
 بگذریم که تعداد یک یا چند سهم که معمولا " مدیران بعنوان وثیقه نزد شرکت می گذارند ، بهیچ وجه کافی برای جبران خسارات احتمالی نمی باشد و این خود موضوعی است که باید جداگانه به آن پرداخت .

با توجه به آنچه گفته شد با زرسان باید توجه داشته باشند که چنانچه وظیفه دشواری ، حداقل در رابطه با همین جزء ماده ، دارند . سهیل انگاری در انجام وظائف از جمله موارد عدیده ای است که در شرکتها رخ می دهد و این کوتاهی و قصور در انجام وظائف چه منجر به ضرر و زیان بشود و چه احتمال ضرر و زیان از آن برود ، باید که در گزارش با زرس قانونی مندرج گردد . ذیلا " نمونه های از تقصیرات احتمالی مدیران شرکتها آورده می شود :

۱- تحت پوشش بیمه قرار ندادن اموال و دارائیهای شرکت بطور مناسب .

۲- عدم وصول بموقع مطالبات شرکت

۳- عدم اقدام قانونی بموقع در مورد اسناد قابل وصول شرکت

۴- کوتاهی در انجام تعهدات قانونی شرکت در مقابل اشخاص ثالث که ممکن است منجر به تعقیب قانونی از طرف طلبکار بشود .

۵- بکارگماردن افراد نالایق و بی کفایت در امور مهم شرکت

۶- نداشتن سیستم کنترل داخلی مناسب و کافی

۷- سوء مدیریت در خرید ، نگهداری و تولید که موجب ضایعات فراوان و نابرابری کالا می گردد .

۸- بلااستفاده بودن قسمتی از منابع ، ماشین آلات و امکانات بدلیل سوء مدیریت

۹- عدم ترخیص بموقع کالا از گمرک که موجب متروکه شدن کالا گردد ، بعلمت سوء مدیریت

۱۰- نادیده گرفتن قوانین و مقررات ، مالیات و بیمه و عدم اعتراض بموقع یا شرکت نکردن در کمیسیونهای مربوط که موجب ضرر و زیان زیاد برای شرکت می گردد .

جرم

طبق ماده ۱۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری:

"جرائمی که رسیدگی به آنها با محاکم عدلیه است به سه درجه تقسیم می شوند:

۱- جنایت

۲- جنحه

۳- خلاف

و طبق ماده ۱۸۵ قانون فوق - رسیدگی به خلاف و جنحه های کوچک از وظائف محاکم صلحیه و رسیدگی به جنحه های بزرگ از خصایص محکمه ابتدائی و رسیدگی بجنایات با محکمه جنائی است .

و طبق ماده ۴ همان قانون - در آن قسمت از امور جزایی که راجع به محاکم صلحیه است و حیثیت عمومی آنها دارای اهمیتی نیست اقامه دعوی و تعقیب امر جزائی بر عهده مدعی خصوصی است و الخ .

و طبق ماده ۵ قانون فوق الذکر: امور جزائی راجعه به محاکم

جنبه و جنایت بودن نوع است :

اول - اموری که حیثیت عمومی آن دارای اهمیت مخصوص است .
دوم - اموری که هر چند حیثیت عمومی دارد ولی اهمیت آن از حیث
نظام مملکتی و آسایش بدرجه امور نوع اول نیست .

و بالاخره مطابق ماده ۶ همین قانون :

در امور جزائی نوع اول اقامه دعوی و تعقیب برعهده مدعی العموم
است ، چه مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده و چه نکرده باشد . در امور
نوع ثانی مدعی العموم تعقیب نمی نماید مگر اینکه بدواً " مدعی
خصوص اقامه دعوی کرده باشد .

تبصره - تفکیک امور نوع اول از نوع دوم و تعیین اینکه کدام امر

جزائی از کدام نوع است در قانون جزاء مصرح است .

با توجه به مفاد قانونی مندرج در فوق مشخص می شود که :

"اولا" : عنوان عبارت " وقوع جرم مطلع شوند " به تنهایی در متن
ماده ۱۵۱ با دامنه گسترده ای که دارد ، خواه ناخواه ابهامات
متعددی بوجود می آورد و به نظرمی رسد قانون گذار در این
مورد توجه کافی مبذول نداشته است .

ثانیا " : جرائم نوع خلاف و جنبه کوچک که مواردی از آن در مقررات

جزائی قانون اصلاحی تجارت پیش بینی شده است لاقلاً از

طرف بازرس قابل اقامه در مراجع قضایی نمی باشد .

ثالثا " : سایر جرائمی که در قانون اصلاحی تجارت پیش بینی شده است

طبق تعریف مندرج در بند دوم ماده ۵ قانون آئین دادرسی

کیفری و مطابق با ماده ۶ همان قانون ، نیز فقط از طریق

مدعی خصوص قابل طرح در مراجع قضایی می باشد .

بنابراین با عنایت به آنچه که در فوق اشاره شد محدود و وظیفه

بازرس قانونی در ارتباط با قسمت مورد بحث ماده ۱۵۱ کاملاً روشن

بوده و آن عبارتست از اعلام جرائمی که طبق قانون جزاء در عداد

" اموری است که حیثیت عمومی آن دارای اهمیت مخصوص است " .

البته این محدودیت موضوعی فقط از نظر اعلام به مراجع ذیصلاح

قضائی است و جرم از هر درجه ای که باشد بهر صورت باید توسط بازرس

به اولین مجمع عمومی گزارش شود ■